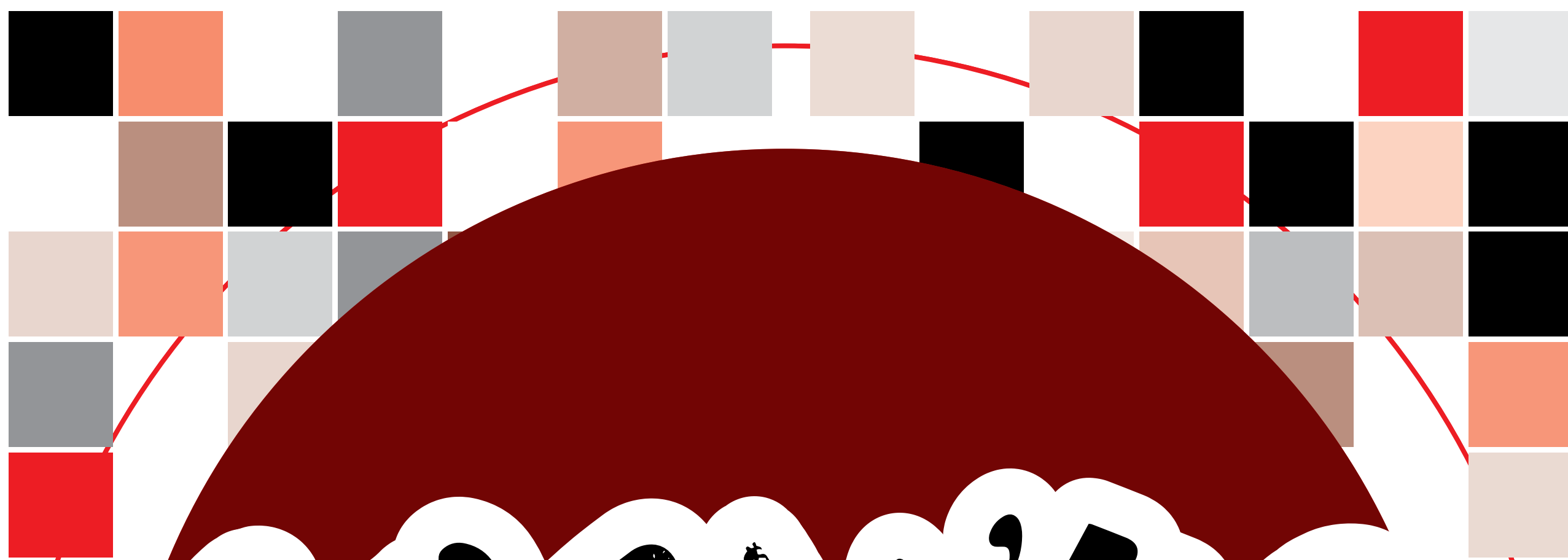


www.Shobhe.pasokh.org :سایت @shobahat_mag :کانال ایستا

pasokh.org spasokh.com wikipasokh.com pasokh.tv shobhehajouhi.ir



شبهه

شبیه‌شناسی | گفتمان‌سازی و پاسخ‌گویی

ماهنامه ویژه پویش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)
شماره چهل | مهرماه ۱۴۰۴

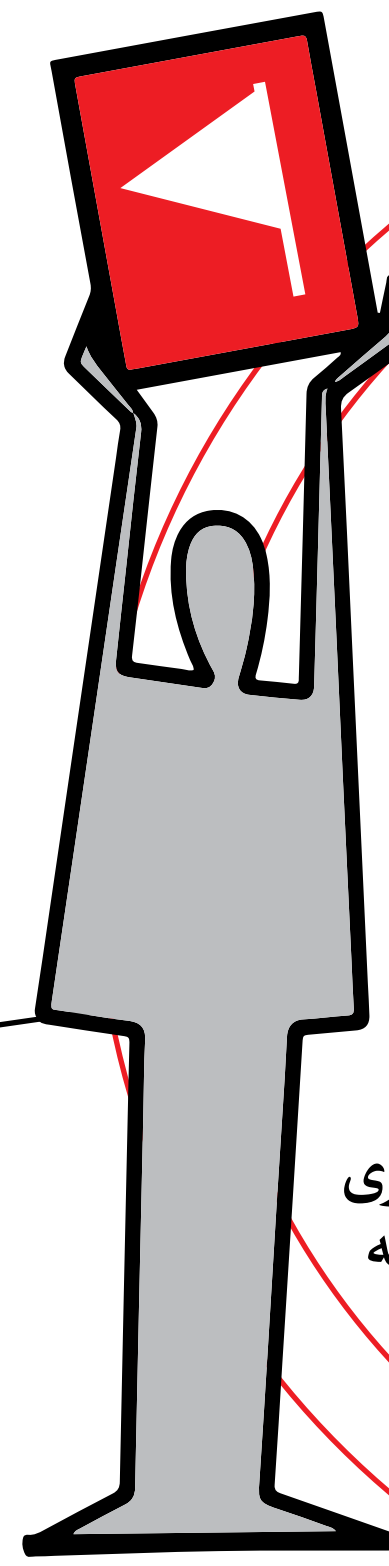
۴۰

منتشر شد

مدعیان همیشگی



در فضای پرغبار کنونی که هر سخن می‌تواند به اسلحه‌ای در دست دشمنان این ملت تبدیل شود، بازخوانی رفتار و گفتار برخی کنشگران سیاسی داخلی، ضرورتی انکارناپذیر است. آنان که یا همیشه در مقام مدعی هستند و هیچ مسئولیتی را در قبال ناکامی‌ها نمی‌پذیرند و یا دوستی‌شان با مردم، از جنس همان دوستی خاله خرسه است. ملت ایران، به پختگی لازم رسیده و به خوبی می‌داند که چه کسانی با قلم و زبان خود، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. آنان تفاوت «نقد سازنده» را با «تخریب مدعیانه» و تفاوت «دوستی صادقانه» را با «وعدده های توخالی و رویاپردازی های غرب‌گرایانه»، به خوبی درک می‌کنند. امروز زمانه هوشیاری است؛ نه زمانه شعارهای فریبنده و فراقتنی‌های سیاسی.



چرا جهان پراز بی عدالتی است؟



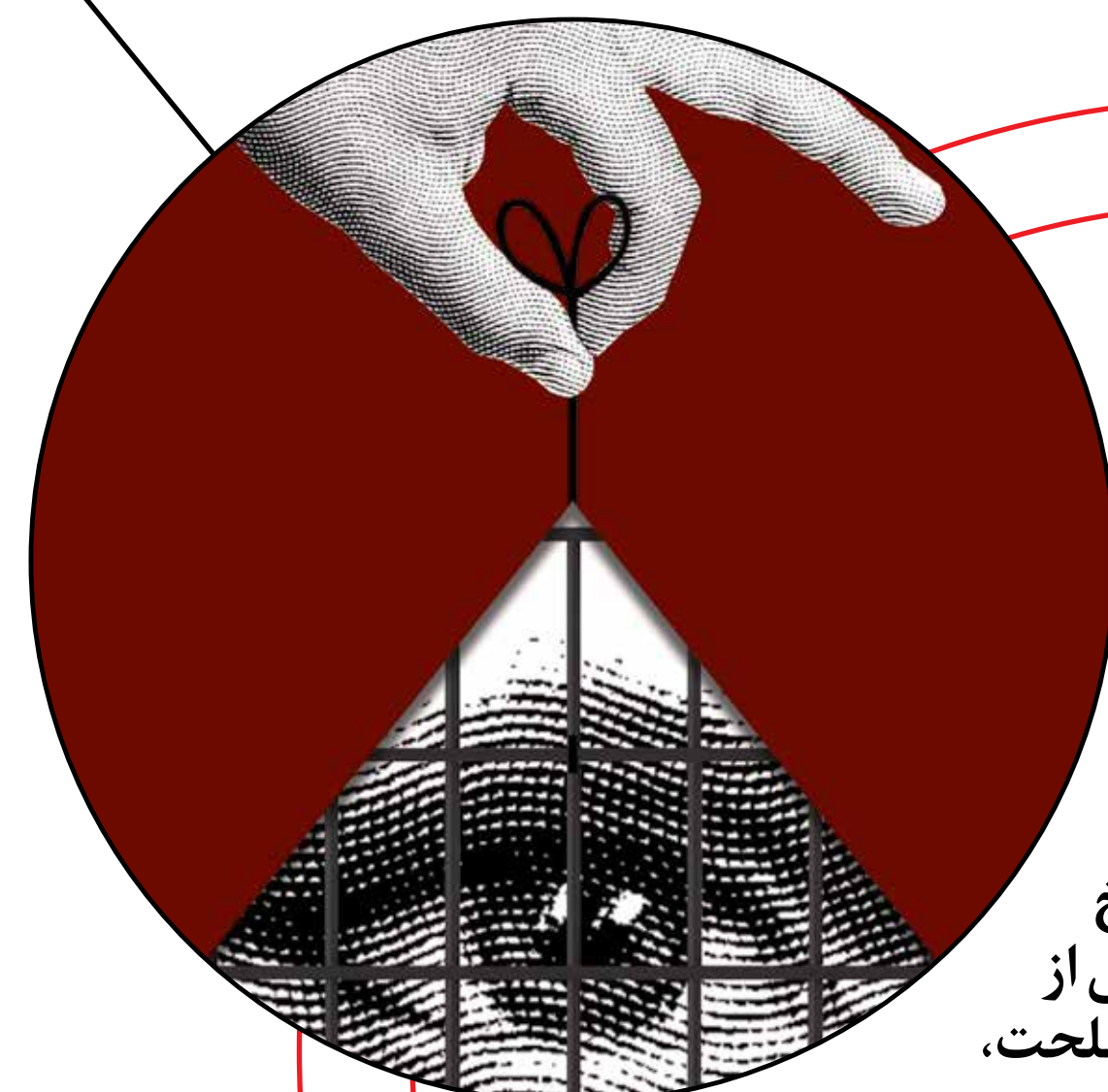
یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال امروزی‌ترین پرسش‌ها در ذهن بشر این است: اگر خدای عادل و مهربان وجود دارد، پس چرا جهان پراز جنگ، فقر، بیماری و بی‌عدالتی است؟ آیا وجود این همه شرور، با وجود خدایی عادل سازگار است؟ با نگاهی ژرف، درمی‌یابیم که وجود شرور، نشانه بی‌عدالتی خداوند نیست؛ بلکه جلوه‌ای از حکمت او در طراحی نظامی است که در آن خبر کلی بر شرور جزئی غلبه دارد. نبود برخی از این سختی‌ها، به معنای نابودی بسیاری از خیرات و ارزش‌های والای انسانی است. اگر انسان هرگز رنج نمی‌دید، صبر، ایثار، شجاعت، توبه و امید هیچ معنایی نداشتند. جهان، میدان رشد انسان است. نه مهمان‌سرای آسایش مطلق. خداوند انسان را برای راحتی نیافرید، بلکه برای کمال آفرید. و کمال بدون آزادی، تجربه و گذر از سختی ممکن نیست.



سراب تمدن غرب



غرب، بر بستری از ادعاهای باشکوه درباره حقوق بشر، دموکراسی و پیشرفت، قصه تمدن به‌ظاهر بی‌نظیر خود را روایت می‌کند؛ اما هنگامی که پرده‌زین این قصه‌ها کنار می‌رود، چه می‌بینیم؟ تصویری که رخ می‌نماید، نه تصویر رستگاری بشر، بلکه طرحی از سلطه، جباو و اخلاقیاتی است که بر اساس منصلت، قابل تعدیل و تعطیل شدن هستند. اینجا، تمدن نه در خدمت تعالی است، که در خدمت تثبیت قدرت گروهی اندک است. بحران غرب، تصادفی یا گذرا نیست. ریشه در مبانی فکری‌ای دارد که از مسیر اعتدال خارج شده‌اند؛ اومانیزمی که به انسان‌محوری مطلق گراییده، لیبرالیسمی که به جان‌سپاری برای سود تبدیل شده، فردگرایی که مسئولیت‌پذیری را فراموش کرده است. زمانی که این ایدئولوژی‌ها از چارچوب یک اخلاق فرافردی و مطلق جدا شوند، هر اقدامی -از ویرانی کشورها تا نابودی محیط زیست- قابل توجیه می‌شود. به راستی، آیا این را می‌توان «تمدن» نامید؟

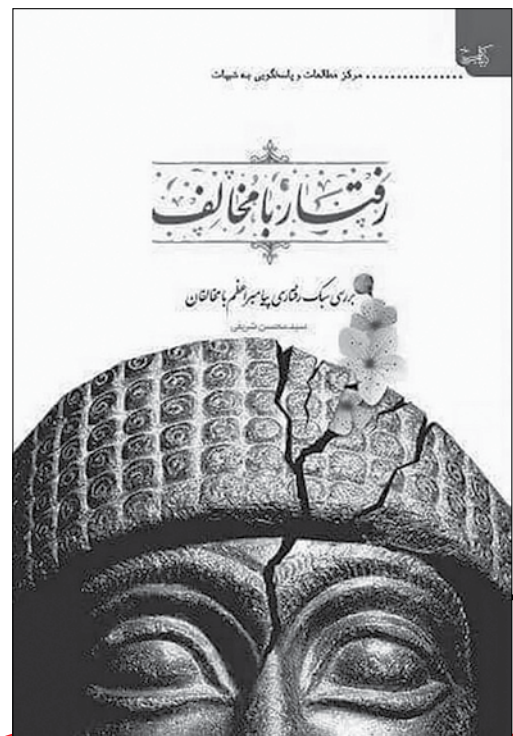


رفتار با مخالف

بررسی سبک رفتاری پیامبر اعظم با مخالفان



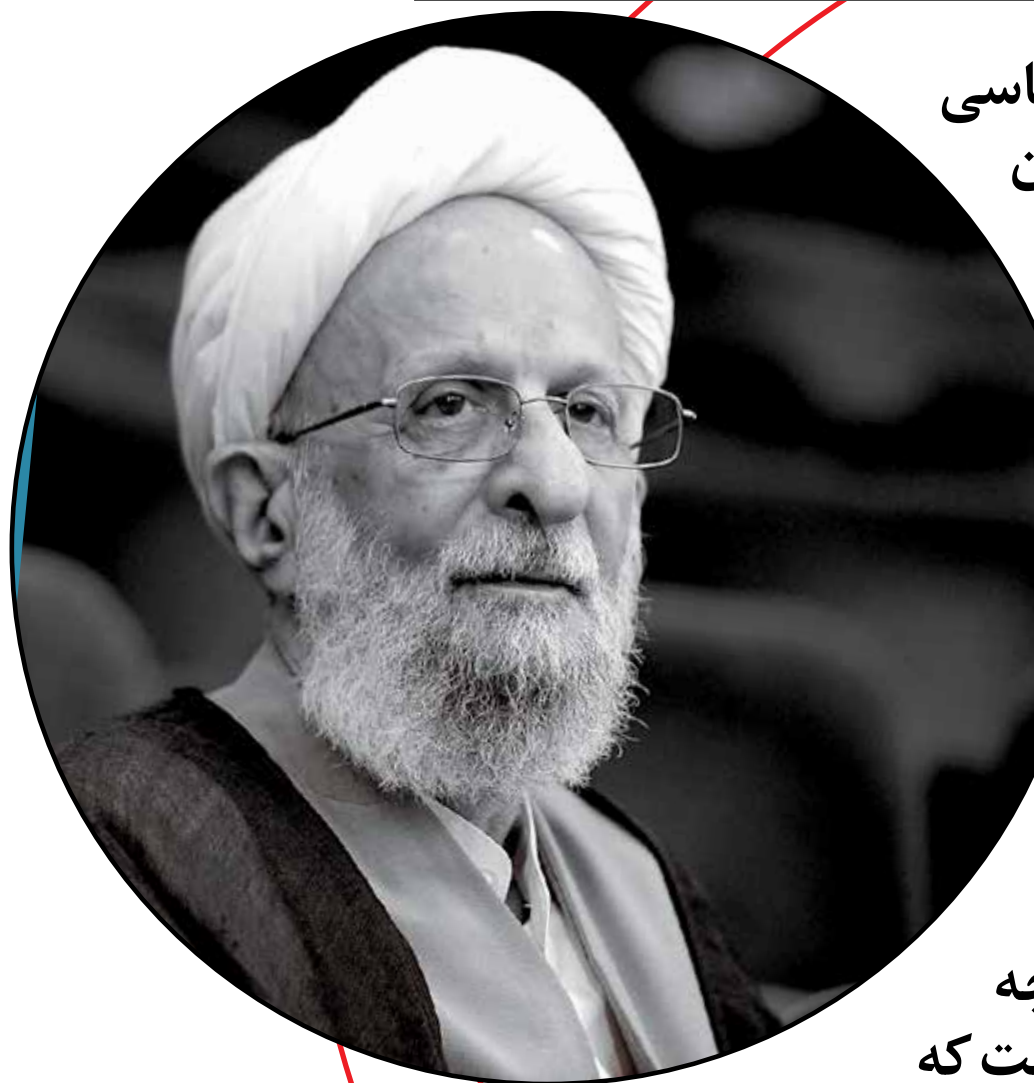
شخصیت پیامبر اکرم در تاریخ بشریت، نه تنها به عنوان بنیان‌گذار یک دین الهی، بلکه به مثابه الگویی بی‌نظیر در اخلاق، حکمت، صبر، عدالت و مدیریت تعارضات مطرح است. کتاب «رفتار با مخالف؛ بررسی سبک رفتاری پیامبر اعظم با مخالفان»، اثر حجت الاسلام سیدمحسن شریفی، تلاشی علمی، تحلیلی و عمیق برای شناخت نظام‌مند رویکردهای پیامبر در مواجهه با مخالفان اعم از مشرکان، یهودیان، منافقان، قبایل نافرمان و حتی افرادی است که به‌صورت فردی یا گروهی با اسلام در تقابل بودند. این اثر با استناد به منابع معتبر حدیثی، تاریخی، تفسیری و سیره‌ای، از جمله آثار کلاسیکی چون «السیره النبویه»، ابن هشام، «دلائل النبوة» بیهقی، «الکامل فی التاریخ» ابن اثیر، و دیگر منابع شیعه و اهل سنت، به‌صورت تطبیقی و تحلیلی به بررسی دقیق سبک‌های تعاملی پیامبر پرداخته است.



مثل مصباح



امروزه که امواج گوناگون فکری، سیاسی و فرهنگی بر ذهن و جان جوانان سایه افکنده است، جست‌وجوی الگوهایی که هم در میدان اندیشه و هم در عرصه عمل، قابل اتکا باشند، ضرورتی انکارناپذیر است. یکی از این الگوهای ستیگر در تاریخ معاصر، علامه محمدتقی مصباح یزدی است؛ اندیشمندی که هم در عرصه نظریه‌پردازی فلسفی و دینی، نقشی بی‌بدیل ایفا کرد و هم در میدان دفاع از ولایت و تبیین حقیقت در برابر هجمه‌های رسانه‌ای، حضوری پررنگ داشت. شخصیت ایشان را می‌توان آکنده از خصلت‌های گوناگون و مثال‌زدنی دانست؛ اما آنچه در این نوشتار برجسته‌تر است، دو ویژگی اساسی است که بیش از دیگران اهمیت دارد. نخست باید به ولایت‌مداری ریشه‌دار او اشاره کنیم و دوم به رسانه‌ای بودن بی‌نظیرش در ایستادن مقابل شبهات و پاسخ‌گویی عالمانه به آنها. این دو ویژگی، در حقیقت دو روی یک سکه‌اند؛ ولایت‌مداری اصیل بدون قدرت تبیین و افتاع، ابتر خواهد ماند و کنش رسانه‌ای بی‌پشتوانه ولایی، به سطحی‌نگری فروکاسته می‌شود.



این همه دشمنی بس نیست؟



از گوشه و کنار می‌شنویم که عده ای می‌گویند: آیا وقتش نرسیده به دشمنی با آمریکا پایان دهیم و به جای سرشاخ شدن با این کشور، از در تعامل با آن وارد شویم و این همه هزینه برای کشور و مردم نتراشیم؟ از نظر این عده، ۴۶ سال دشمنی و تقابل، پس است؛ راه‌تعالی را هم امتحان کنیم و تعامل با آمریکا هم الزاماً به معنای سازشی نیست؛ بلکه استفاده از ظرفیت و فرصت کنار آمدن با این کشور برای دور آسان ماندن از پیامدهای دشمنی با آن است. در پاسخ چنین نگاهی، باید گفت:.....



حقیقت ریشه‌دار یا وام‌گرفته؟



چندی پیش دیدگاهی منتشر شد که مضمون آن چنین بود: «بیشتر آنچه در قرآن، نهج‌البلاغه، فلسفه و عرفان اسلامی وجود دارد، در واقع از فرهنگ و اندیشه‌های یونان و روم باستان آمده است. بخش زیادی از آموزه‌های قرآن و سخنان امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه یا آموزه‌های فیلسوفان رواقی، هماهنگی دارد. فلسفه‌ای که «اسلامی» نامیده می‌شود، در اصل، بازخوانی و ادامه فلسفه افلاطون، ارسطو، نوافلاطونیان و رواقیان است. برای نمونه، در قرآن آمده است: «نه بر آنچه از دست می‌دهید اندوگین شوید و نه بر آنچه به دست می‌آورید، شادی بیش از حد کنید». این، دقیقاً همان تعالیم مارکوس اورلیوس و اپیکتتوس است. بنابراین، اگر بخواهیم از فرهنگ خودی سخن بگوییم، باید دانست که بخش مهمی از همین فرهنگ خودی، از غرب آمده است.»



برای فهم اینکه آیا واقعاً چنین نگاهی درست است یا نه، باید به چند نکته اساسی توجه کنیم...

یشت پرده به رسمیت شناختن فلسطین و طرح دو دولت

شاید در نگاه اول، به رسمیت شناخته شدن فلسطین از سوی بسیاری از کشورها از حمله انگلستان، پرتغال، فرانسه، بلژیک، استرالیا و کانادا در کنار بیش از ۱۴۰ کشور که پیش از این فلسطین را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخته بودند، یک موفقیت برای مردم فلسطین محسوب گردد. اگر توجه کنیم، تا قبل از طوفان الاقصی و شروع جنگ در غزه، بیش از ۱۴۰ کشور، فلسطین را به عنوان یک کشور، به رسمیت شناخته بودند؛ اما این کمکی به مردم فلسطین نکرد و اضافه شدن چند کشور، آن هم کشورهایی که شریک جرم و همدست رژیم محسوب می‌شوند، قرار است چه کمکی بآنها بکند؟ واقعیت آن است که این به رسمیت شناختن، تحت فشار افکار عمومی این کشورها علیه جنایات اسرائیل و با هدف جدا کردن خود از صف حامیان اسرائیل صورت گرفته که جنایت را از حد خود گذرانده است؛ اما در عمل، شناسایی فلسطین به عنوان یک کشور مستقل که اقدامی در راستای راهکار دو دولتی در مسئله فلسطین است، برای ملت فلسطین، صرفاً یک اقدام نمادین به شمار می‌رود.

